



چیزی مصرف کرده‌ایم. ما صبح تا ظهر درگیر پاسگاه و کلانتری بودیم.

← خریداری داشتید که از تولید این محصول دانش بنیان تعریف کند یا بازخورد خوبی نشان بدهد؟

یکی از کارآیی‌های محصول ما، در زمینه تولید محصولات تزئینی و دکوراتیو است. کسانی که اهل هنر و معماری هستند، این محصول خیلی برایشان جالب توجه است چون روش قالب‌گیری و سایر روش‌هایی که استفاده می‌شود، محدودیت‌های خیلی زیادی دارد. بنابراین کسی که با آن روش‌ها کار کرده، وقتی روش استفاده از این



← این بچه‌ها برای شما چه کاری می‌کنند؟

بچه‌های هنرستانی، بچه‌های فنی هستند که بعد از طی هنرستان وارد بازار کار می‌شوند و ادامه تحصیل در مسیرشان ندارند. خب اینها فقط برای ما کار نمی‌کنند ما به کارگاه‌هایی که می‌شناختیم معرفی کردیم. قرار است یک دوره شش ماهه کارآموزی بروند و همان جایی که هستند، استخدام بشوند. دوتا از دانش‌آموزان هم پیش ما هستند و دارند دوره می‌گذرانند که اگر آمادگی داشتند ان شاءالله پیش خودمان مشغول شوند.

← کسانی بوده‌اند که در این مسیر برای شما مانع و مشکلی ایجاد کنند؟

کسی که نمی‌تواند مشکلی ایجاد کند. خیلی درگیر این نیستیم که مشکلات چیست؛ سعی می‌کنم روی هدف تمرکز کنم و چیزی نیست که من با آن به مشکل بخورم. هر چیزی باشد قابل حل است و مشکلی نیست که بگویم من گیر کردم و کار جلو نمی‌رود.

← تجربه شیرین یا تلخی دارید؟

تلخ که در شروع کار خیلی پیش می‌آید. ما چون از دانشجویی کار را شروع کردیم بحث‌های تأمین بودجه برای انجام کارمان اولویت بود. وقتی که شروع کردیم از لحاظ مالی خیلی در شرایط بدی بودیم ولی مجبور بودیم کار را پیش ببریم. در همان حین که شرکت داشتیم و در حال کار روی پروژه بودیم، یک ماشین داشتیم که با آن نوبتی در اسنپ کار می‌کردیم تا بتوانیم هزینه جزئی یک قطعه را جور کنیم و کار را یک قدم جلو ببریم ولی اگر علاقه باشد شاید آن لحظه تلخ بگذرد ولی بعدش شیرین می‌شود. شیرینی کارمان هم کم نبوده. وقتی تیم جوانی در کنار هم قرار می‌گیرند بالاخره بهشان خوش می‌گذرد و حال خوب و انرژی مثبت همیشه برقرار است. مثلاً یک مدتی ما شبانه‌روزی روی دستگاه کار می‌کردیم و اتفاق جالبی برایشان افتاد. مواد ورودی دستگاه ما خمیر است. چون شرایط خرید خمیرهای صنعتی را نداشتیم مجبور به استفاده از خاک سفال بودیم. تمام روز درگیر درست کردن خمیر بودیم که بچه‌ها به آن می‌گفتند تایم گل بازی. از آن طرف هم کار مهندسی داشتیم. ترکیب اینها با هم، شرایط بد و کثیفی را رقم زده بود. اوایل خیلی برایشان سخت بود ولی بعدش شیرین شد. عکس هم می‌گرفتیم. مواقعی که بچه‌ها خواب بودند باید بلند می‌شدم و گل را نرم می‌کردم تا کارها جلو بیفتد. یک عکس هم از من شکار کرده بودند که مشغول نرم کردن گل در کوچه بودم؛ ساعت ۳ صبح. خب یک دفعه که همدیگر را دیدیم خنده‌مان گرفت. آنقدر خندیدیم که پلیس گشت همان موقع داشت رد می‌شد. ما را گرفتند و فکر می‌کردند ما مشکلی داریم و

”

تلخ که در شروع کار خیلی پیش می‌آید. ما چون از دانشجویی کار را شروع کردیم بحث‌های تأمین بودجه برای انجام کارمان اولویت بود. وقتی که شروع کردیم از لحاظ مالی خیلی در شرایط بدی بودیم ولی مجبور بودیم کار را پیش ببریم. در همان حین که شرکت داشتیم و در حال کار روی پروژه بودیم، یک ماشین داشتیم که با آن نوبتی در اسنپ کار می‌کردیم؛ تا بتوانیم هزینه‌ی جزئی یک قطعه را جور کنیم و کار را یک قدم جلو ببریم